



University of Tehran Press

Reflection of the Rights of Nature Movement in Domestic Legal Systems and Judicial Precedent

Fatemeh Irannezhadparizi¹  | Mehryar Dashab² 

1. PhD. Student in Public International Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: irannezhad.parizi@gmail.com
2. Corresponding Author; Assistant Prof., Department of Public Law and Public International Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: mehryardashab@atu.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	By May 2023, over 30 countries have recognized the rights of nature or granted the legal personality to natural elements through more than 180 provisions incorporated in constitutional and ordinary laws, regulatory policies, and judicial decisions. While the way of institutionalizing the eco-centric approach of the rights of nature movement is consistent with the normative beliefs derived from the earth jurisprudence, these nations present differing answers in addressing some critical normative questions regarding which components of nature possess rights, what rights should be recognized, and who may advocate for or litigate to protect these rights on behalf of nature. Comparing Ecuador, Bolivia, the United States, New Zealand, and Colombia reveals two primary models to adopt an eco-centric approach, influenced by diverse legal systems, political structures, and socio-cultural contexts. However, in some cases, the definition or scope of the relevant rights in both models remain vague, posing challenges to protect these rights effectively.
Pages: 1-21	
Received: 2023/12/02	
Received in Revised form: 2023/02/13	
Accepted: 2024/04/15	
Published online: ----/--/--	
Keywords: <i>Rights of Nature, Earth Jurisprudence, Earth Law, Rights of Mother Earth, Legal Personality of Nature, Domestic Legal Systems.</i>	
How To Cite	Irannezhadparizi, Fatemeh; Dashab, Mehryar (2024). Reflection of the Rights of Nature Movement in Domestic Legal Systems and Judicial Precedent. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , -- (--), 1-21. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2024.368555.3435
DOI	10.22059/JPLSQ.2024.368555.3435
Publisher	The University of Tehran Press. 



انتشارات دانشگاه تهران

Homepage: <http://jpls.ut.ac.ir>

شاپا الکترونیکی: ۸۱۳۹-۳۴۲۳

دوره: -- شماره: --

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

تجلی جنبش حقوق طبیعت در نظام‌های حقوقی داخلی و رویه قضایی

فاطمه ایران‌نژاد پاریزی^۱ | مهریار داشاب^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

رایانامه: irannezhad.parizi@gmail.com

۲. نویسنده مسئول؛ استادیار، عضو هیأت علمی گروه آموزشی حقوق عمومی و بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی،

دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: mehryardashab@atu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۲۱-۱</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ---/--/---</p> <p>کلیدواژه‌ها: حقوق طبیعت، حقوق زمین، حقوق مام زمین، شخصیت حقوقی طبیعت، فلسفه حقوق زمین، نظام‌های حقوقی داخلی.</p>	<p>تا می ۲۰۲۳، بیش از ۱۸۰ مقررۀ مصرح در قوانین اساسی و عادی، سیاست‌های نظارتی و احکام دادگاه‌ها در بیش از ۳۰ کشور، حقوق طبیعت یا شخصیت حقوقی طبیعت را به رسمیت شناخته‌اند. نگاهی کلی به تجارب این کشورها نشان می‌دهد که هرچند نحوه نهادینه کردن رویکرد زیست‌بوم‌محور جنبش حقوق طبیعت با باورهای هنجاری فلسفه حقوق زمین مطابقت دارد اما آنها به پرسش‌های هنجاری کلیدی پاسخ‌های متفاوتی می‌دهند، مانند اینکه کدام‌یک از مؤلفه‌های طبیعت دارای حقوق هستند، چه حق‌هایی باید به رسمیت شناخته شوند، چه شخص یا اشخاصی می‌توانند به نمایندگی از طبیعت اظهارنظر یا از آن دفاع کرده یا از جانب طبیعت اقدام به اقامه دعوا کنند. در این زمینه از مقایسه روش‌های متفاوت اتخاذشده در پنج کشور، اکوادور، بولیوی، ایالات متحده آمریکا، نیوزیلند و کلمبیا این نتیجه حاصل می‌شود که تنوع نظام‌های حقوقی داخلی و ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هریک از این کشورها، الهام‌بخش دو الگوی اصلی برای حرکت به سمت هنجارهایی زیست‌بوم‌محور بوده است. با وجود این، در برخی موارد، تعریف یا دامنه شمول حق‌ها، در هر دو الگو، نسبتاً مبهم باقی مانده‌اند که به نوبه خود می‌تواند حمایت مؤثر از این حقوق را در عمل با چالش مواجه کند.</p>
استناد	ایران‌نژاد پاریزی، فاطمه؛ داشاب، مهریار (۱۴۰۳). تجلی جنبش حقوق طبیعت در نظام‌های حقوقی داخلی و رویه قضایی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، -- (--)، ۲۱-۱. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2024.368555.3435
DOI	10.22059/JPLSQ.2024.368555.3435
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

علی‌رغم توسعه چشمگیر حقوق بین‌الملل محیط زیست به لحاظ تعداد معاهدات و سایر اسناد مرتبط با حفاظت از محیط‌زیست، و به‌رغم نفوذ فراینده زبان حقوق محیط زیست در تمامی جوانب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظام حقوق بین‌الملل و نظام‌های حقوقی داخلی، هنوز طبیعت و اجزای آن به‌عنوان موجودیتی منفعل شناخته می‌شوند که تحت لوای رویکردی انسان‌محور مورد حمایت قرار می‌گیرند. با وجود این، طی دو دهه نخست سده بیست‌ویکم، بیش از ۳۰ کشور در پاسخ به عدم موفقیت قواعد محیط‌زیستی در حفاظت مؤثر از طبیعت، با به رسمیت شناختن حقوق طبیعت^۱ یا شخصیت حقوقی طبیعت^۲ در سطوح ملی و محلی، تلاش کرده‌اند تا باورها و هنجارهای کلی در زمینه ارزش ذاتی طبیعت و نیاز به بازتعریف تعهدات اجتماع انسانی در مقابل طبیعت را در نظام‌های حقوقی داخلی بگنجانند و از این طریق، تغییراتی قانونی به سمت رویکردی زیست‌بوم‌محور ایجاد کنند.

نگاهی کلی به تجارب این کشورها نشان می‌دهد که هرچند نحوه نهادینه کردن رویکرد زیست‌بوم‌محور جنبش حقوق طبیعت با باورهای هنجاری فلسفه حقوق زمین مطابقت دارد، اما این کشورها، به دلیل تفاوت‌های چشمگیر در نظام‌های حقوقی، ساختارهای سیاسی و جنبش‌های مدنی مدافع حقوق طبیعت^۳، نه تنها روش‌های متنوعی برای شناسایی و اجرای حقوق طبیعت را دنبال کرده‌اند، بلکه نحوه ظهور و توسعه این حقوق بسیار متفاوت است. درحالی که برخی موارد از تغییرات قانون اساسی یا از ابتکارات سیاسی محلی ناشی می‌شوند، برخی دیگر بازتابی از تصمیمات جنجال‌برانگیز دادگاه‌ها هستند (Corrigan and Oksanen, 2021: 3). شایان ذکر است که شناسایی و اجرای حقوق طبیعت مشتمل بر ایده‌ها و روش‌های فکری نوینی است که علی‌رغم پیشرفت‌های فزاینده در چند دهه اخیر، در حال حاضر در اکثر نظام‌های حقوقی داخلی (از جمله در نظام حقوقی ایران) و در نظام حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته نشده‌اند. از سوی دیگر، بررسی آثار مرتبط با حقوق طبیعت در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳

۱. حقوق طبیعت بیانگر این نظریه است که طبیعت به‌طور کلی یا اجزای آن به‌طور خاص، مانند اکوسیستم‌ها، گونه‌های گیاهی و جانوری باید به‌خودی‌خود از حق‌هایی قانونی برخوردار باشند که در نظام حقوقی ذی‌ربط از حیث قانونی قابل دفاع و قابل اجرا باشند.

۲. شناسایی شخصیت حقوقی برای طبیعت یا اجزای آن، ابزاری قانونی است که از طریق آن، مؤلفه‌های طبیعی مانند یک اکوسیستم، یک گونه گیاهی و ... یا طبیعت به‌عنوان یک واحد کلی به‌عنوان یکی از تابعان نظام حقوقی ذی‌ربط شناسایی می‌شود. چنین ابزاری شناخت حقوقی ارزش ذاتی طبیعت را از دو طریق میسر می‌کند، یکی به‌وسیله شناسایی حق‌هایی برای طبیعت و دیگری از طریق وضع الزامات، مسئولیت‌ها و وظایف انسانی در قبال طبیعت یا اجزای آن.

۳. برای اطلاعات بیشتر در خصوص عوامل تأثیرگذار بر شناسایی حقوق طبیعت در سطوح ملی، ر.ک: Kauffman & Martin, 2021: 22-23

بیانگر این است که نه تنها در نظام‌های حقوق داخلی برخی کشورها، بلکه در نظام حقوق بین‌الملل، مفاهیمی تحت عنوان فلسفه حقوق زمین^۱، حقوق طبیعت^۲، حقوق زمین^۳، حقوق مام زمین^۴، حقوق زیست‌بوم محور^۵ پدیدار شده‌اند. شایان ذکر است که تمامی عبارات مذکور، به اتخاذ رویکردی زیست‌بوم محور برای حفاظت از طبیعت اشاره دارند که طبق آن طبیعت به‌طور کلی یا مؤلفه‌های طبیعی می‌توانند از شخصیتی حقوقی یا از حقوقی قانونی برخوردار شوند.

در واقع، مسئله مورد بحث، هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح ملی یکی از مسائل حقوقی نوظهور است، هر عضو جامعه بین‌المللی می‌تواند به فراخور وضعیت خود در روند توسعه و گسترش آن سهیم باشد. از این رو ضرورت انجام این تحقیق به دلیل نبود آثار مرتبط با موضوع در ادبیات حقوقی داخلی کشورمان (بر مبنای منابعی که در دسترس نگارندگان بوده است)، نه تنها توجیه‌پذیر است، بلکه از اهمیتی دوچندان برخوردار است. از آنجایی که موضوع حقوق طبیعت، از حیث مباحث ماهوی و شکلی مستلزم تأملات عمیق فلسفی و حقوقی است. از این رو در این نوشتار، ابتدا مفهوم «فلسفه حقوق زمین» بررسی می‌شود، که به‌عنوان مبنای فلسفی حقوق طبیعت شناخته می‌شود. سپس دو الگوی اصلی نهادینه کردن رویکرد زیست‌بوم محور معرفی می‌شود و در ادامه به مقایسه تجارب پنج کشور اکوادور، بولیوی، ایالات متحده آمریکا، نیوزلند، و کلمبیا در این حوزه پرداخته می‌شود.^۶

۲. مفهوم فلسفه حقوق زمین

فلسفه حقوق زمین یک فلسفه حقوقی در حال ظهور است که توسط توماس بری در سال ۲۰۰۱ ارائه شد.^۷ وی بر مبنای این فلسفه حقوق، خواستار مفهوم‌سازی مجدد جایگاه بشریت شد، به‌طوری‌که انسان‌ها به‌عنوان یکی از اعضای به‌هم‌پیوسته جامعه زمین در نظر گرفته شوند و به‌جای اینکه زمین را در ساختارهای پویای حیات بشری قرار دهیم، انسان را در فرایندهای پویای زمین تصور کنیم (Berry،

1. Earth jurisprudence
2. Rights of nature
3. Earth law
4. Mother Earth law
5. Eco-centric law

۶ دلیل انتخاب این کشورها را می‌توان با توجه دو موضوع توضیح داد، یکی اینکه آنها جزو اولین کشورهای پیشگام در جنبش حقوق طبیعت به‌شمار می‌روند، دوم اینکه این کشورها از حیث نظام‌های سیاسی و حقوقی، سطح توسعه اقتصادی، جمعیت‌شناسی، جغرافیا و فرهنگ متفاوت‌اند، و از الگوهای متفاوتی برای نحوه نهادینه کردن حقوق طبیعت پیروی می‌کنند که این امر امکان مقایسه‌ای مؤثرتر را فراهم می‌کند.

۷. برای مطالعه بیشتر درباره تاریخچه شکل‌گیری جنبش فلسفه حقوق زمین، ر.ک:

Cormac Cullinan, A History of Wild Law, 2012: 14- 22, in (P. Burdon, 2012b): 12-23.

(1999: 146-151). منشأ این فلسفه حقوقی نوظهور را می‌توان بر مبنای روش‌های متعددی توضیح داد. یک مورد، آن را به‌عنوان واکنشی نسبت به بحران محیط زیستی کنونی توضیح می‌دهد. همچنین می‌توان آن را به‌عنوان شکلی از نظریه انتقادی حقوقی در نظر گرفت.^۱ در واقع، با وجود تنوع زیاد نظریات حقوق و عدالت در حقوق مدرن غرب، این نظریه‌ها اغلب انسان‌محورند. بدین معنا که نظریه‌های مربوط به حقوق، به روابط بین افراد، بین جوامع، بین دولت‌ها و بین خود این گروه‌ها مربوط می‌شود. از این رو جدایی و نظم سلسله‌مراتبی میان جهان انسانی و غیرانسانی، فرض اولیه‌ای را تشکیل می‌دهد که بیشتر نظریه‌های حقوقی غربی از آن نشأت می‌گیرند (Graham, 2011: 15). در این خصوص، فلسفه حقوق زمین، سهم قانون در ایجاد، حفظ و تداوم بخشیدن به رویکرد انسان‌محورانه را تجزیه و تحلیل می‌کند و راه‌هایی را جست‌وجو می‌کند که از طریق آنها می‌توان این گرایش انسان‌محور را تضعیف و در نهایت حذف کرد (P. D. Burdon, 2012c: 30).

در واقع، طبق گفته کورماک کالینان، فلسفه حقوقی زمین فلسفه‌ای مبتنی بر این ایده که «انسان‌ها تنها بخشی از یک جامعه گسترده‌تر موجودات را تشکیل می‌دهند و اینکه مطلوب زیستی هر یک از اعضای این اجتماع، به مطلوب زیستی زمین به‌عنوان یک واحد کلی وابسته است» (Cormac Cullinan, 2012: 13 in (P. Burdon, 2012b): 12-23.) این امر در تضاد با دیدگاه حقوقی کنونی غربی است که از طریق ساختارهایی مانند قانون مالکیت، روابط حقوقی را میان انسان‌ها، و همچنین انسان‌ها و شرکت‌ها ایجاد می‌کند، اما تمامی جنبه‌های دیگر جهان طبیعی را کالاسازی کرده و از آنها بهره‌برداری می‌کند (Cullinan, 2011: 138-140; Graham, 2011: 160-162). برای این منظور، فلسفه حقوق زمین به دنبال این است که پارادایم انسان‌محوری عالم حقوق را به مفهومی زیست‌بوم‌محور از «جامعه زمین» تغییر دهد (P. Burdon, 2012a: 82-85). چنین دیدگاه فلسفی، حقوق بنیادین تمامی موجودات زنده را برای بودن و زیستن در محیط زیستی سالم و پایدار در اولویت قرار می‌دهد (Kauffman & Martin, 2017: 132) و از طریق بیان کردن جهان طبیعی به‌عنوان یک جامعه، محدودیت‌های بیشتری بر فعالیت‌های بشری اعمال می‌کند. بدین ترتیب جنبش حقوق طبیعت، با تأثیرپذیری از چنین اندیشه‌هایی، خواستار این است که قوانین به‌گونه‌ای اصلاح شوند تا وابستگی متقابل اکولوژیکی و روابط به‌هم‌پیوسته موجود در جهان هستی را منعکس کنند (Loder, 2018: 295).

۱. البته شایان ذکر است که در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد. برای مثال گراهام معتقد است که هرچند مطالعات انتقادی حقوق، رابطه میان حقوق و جهان طبیعی را اخیراً در نظریه‌پردازی در خصوص عدالت محیط زیستی مورد توجه قرار داده‌اند، این فلسفه حقوقی، همچنان انسان‌محور است، زیرا در آن، جهان طبیعی به‌مثابه منبعی برای تحقق عدالت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. برگرفته از Graham, 2011: 15

بسیاری از طرفداران فلسفه حقوق زمین استدلال کرده‌اند که جامعه زمین و همه موجوداتی که آن را تشکیل می‌دهند، دارای حق‌هایی هستند، از جمله حق وجود، حق زیستگاه یا مکانی برای زیستن بودن و حق بر مشارکت در تکامل جامعه زمین. از آنجایی که این دیدگاه در تضاد با رویکرد غالب نظام حقوقی غرب است، شناسایی حقوق طبیعت مستلزم بازاندیشی اساسی در نقش نظام حقوقی انسان‌محور ماست (La Follette & Maser, 2019: 393). در این زمینه، توماس بری حقوق طبیعت را از دیگر حق‌های قانونی متمایز کرده و اذعان می‌کند که آنها قابل قیاس با حقوق بشرند، بدین معنا که این حقوق از قبل وجود داشته‌اند و این حق‌ها از طریق قانون بشر ایجاد نشده‌اند، بلکه از طریق خود کارکرد جهان ایجاد می‌شوند که فرآیندهای تکاملی خود را به وجود می‌آورد (P. Thomas Berry, 2012: 229, in (Burdon, 2012b: 227-229).

در این خصوص، فلسفه حقوق زمین بیان می‌کند که اصطلاح «حقوق» باید به‌طور موسع استنباط شود (Jaiven, 2014: 155) تا این اصل را در برگیرد که سایر موجودات طبیعی از این حق برخوردارند که نقش خود را در جامعه زمین ایفا کنند. با وجود این، گاهی اوقات حقوق به‌سادگی به‌عنوان حق‌های قانونی قابل اجرا درک می‌شوند. در واقع طبق گفته کالینان، حقوقدانان به‌طور معمول حق‌ها را از حیث «منافعی به رسمیت می‌شناسد که به‌طور قانونی تحت حمایت هستند به این معنا که می‌توان آنها را در یک دادگاه قانونی اجرا کرد» (Cullinan, 2011: 96-97). هرچند وی در ادامه توضیح می‌دهد که حق‌ها در معنای موسع می‌توانند دربرگیرنده مفاهیم دیگری از جمله امتیازات^۱، اختیارات^۲ و مصونیت‌ها^۳ باشند.

۳. الگوهای هنجارسازی جنبش حقوق طبیعت

هرچند نحوه نهادینه کردن رویکرد زیست‌بوم‌محور جنبش حقوق طبیعت با باورهای هنجاری فلسفه حقوق زمین مطابقت دارد، اما آنها به پرسش‌های هنجاری کلیدی پاسخ متفاوتی می‌دهند، مانند اینکه کدام عناصر طبیعت دارای حقوق هستند، چه حقوقی باید به رسمیت شناخته شوند، چه کسی می‌تواند به نمایندگی از طبیعت صحبت یا اقدام کند، و اینکه آیا کسی باید موظف به حمایت از حقوق طبیعت باشد (Kauffman & Martin, 2021: 17). از مقایسه این روش‌های متفاوت، این نتیجه حاصل می‌شود که جنبش حقوق طبیعت الهام‌بخش دو الگوی اصلی است؛ یکی، الگوی شناسایی حقوق طبیعت و دیگری روشی مبتنی بر شناسایی شخصیت حقوقی برای طبیعت، که در ادامه به بررسی هریک از این دو الگو پرداخته می‌شود.

1. Privileges
2. Powers
3. Immunities

۱.۳. الگوی مبتنی بر شناسایی حق

در روش شناسایی حقوق طبیعت، قوانین یا احکام دادگاه‌ها در سطح ملی یا وضع قوانین در سطح حکومت‌های محلی، به‌صراحت حق‌هایی قانونی را برای طبیعت و/یا اجزای آن به رسمیت می‌شناسند، مانند آنچه در کشورهایی مانند بولیوی، اکوادور و ایالات متحده وجود دارد. در این الگو، توجه به دامنۀ حقوق، از دو جنبه شایان توجه است: یکی از حیث دامنۀ گسترۀ دارنده حقوق، بدین معنا که آن حقوق یا به‌طور گسترده برای طبیعت به‌عنوان یک واحد کلی اعمال می‌شوند و یا صرفاً برای اجزایی از طبیعت، و دوم نوع حق‌های شناسایی‌شده برای طبیعت یا مؤلفه‌های آن. شایان ذکر است که در هر دو مورد مذکور، میان قوانین وضع‌شده در اکوادور، بولیوی و آمریکا، تفاوت‌هایی وجود دارد. این تمایزها پیامدهای مهمی برای تعیین نقض حقوق طبیعت و تعیین تکالیف و مسئولیت‌های سایر اشخاص در مقابل طبیعت در پی دارد (Kauffman & Martin, 2018: 48) که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

در سال ۲۰۰۸، اکوادور اولین کشوری بود که در قانون اساسی خود اعلام کرد که طبیعت از شخصیتی حقوقی برخوردار است. قانون اساسی اکوادور یکی از گسترده‌ترین دامنه‌های شناسایی دارنده حقوق را دربردارد^۱، چراکه به‌طور کلی طبیعت را که آن را معادل «پاچاماما»^۲، خدای بومی آند، می‌داند، به‌عنوان دارنده حقوق معرفی می‌کند.^۳ شایان ذکر است که شناسایی حقوق طبیعت در قانون اساسی این کشور، بخشی از مفهوم موسع‌تر *sumak kawsay* یا *Buen Vivir* است که یک جهان‌بینی غیرغربی در خصوص مطلوب‌زیستی انسان است، که با ارزش‌ها و آرمان‌های مردمان بومی (اغلب در فرهنگ مردمان بومی آند) مطابقت دارد و در آن بر روابط متقابل ذاتی میان دنیای انسانی و جهان اکلوژیکی تأکید می‌شود (Beitl, 2016: 329-332).

مبنای شناسایی حقوق برای طبیعت، ماده ۱۰ قانون اساسی اکوادور است که تصریح کرده «طبیعت، موضوع آن دسته از حقوقی است که قانون اساسی برای آن به رسمیت شناخته است» (Constitution of the Republic of Ecuador (2008), Title II, Chapter 1, Article 10). در این خصوص، قانون اساسی اکوادور ذیل فصل ۷، تحت عنوان «حقوق طبیعت»، از ماده ۷۱ تا ۷۴ حقوقی برای طبیعت و تعهداتی برای دولت برشمرده شده است. در این میان، «حق زیستن، حق حفظ و بازآفرینی چرخه‌های

۱. برای دسترسی به متن انگلیسی متن قانون اساسی اکوادور ر.ک:

<https://pdba.georgetown.edu/Constitutions/Ecuador/english08.html>.
Accessed 19 January 2022.

۲. پاچاماما اغلب به انگلیسی مام زمین ترجمه می‌شود.

۳. شایان توجه است که با وجود شناسایی حقوق طبیعت در قانون اساسی اکوادور، در عمل دیدگاه‌ها در میان گروه‌های مختلف به‌طور چشمگیری متفاوت‌اند. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: Zelle et al., 2021: 723

حیات، ساختار، عملکردها و فرایندهای تکاملی» (Constitution of the Republic of Ecuador, Title II, Chapter 7, Article 71) (2008) جزو حقوق مسلمی هستند که برای طبیعت به رسمیت شناخته شده‌اند. با وجود این، اعطای چنین حمایت گسترده‌ای، از دیدگاه برخی محققان از جمله وایتمور^۱، غیرعملی قلمداد شده است به این دلیل که طبیعت دارای اجزایی متفاوت و روابط پیچیده است که ممکن است گاهی در تعارض با هم قرار گیرند (Whittemore, 2011: 669-670).

از سوی دیگر، در بولیوی، حقوق طبیعت به موجب مجموعه قوانین خاصی توسعه یافته است. در این میان یکی از اولین آنها پیش‌نویس قانون حقوق مام زمین بود که قانون ۰۷۱ - قانون حقوق مام زمین مصوب سال ۲۰۱۰ است.^۲ این قانون^۳ برای مام زمین شخصیتی حقوقی قائل است. نکته در خور توجه این است که در این قانون به تنوع مؤلفه‌های مختلف طبیعت توجه خاصی مبذول شده و بیان شده است که در اجرای حقوق مام زمین، ویژگی‌ها و خصوصیات اجزای مختلف آن باید مورد توجه قرار گیرند (Law 071-Law of the Rights of Mother Earth 2010, Chapter II, Article 3).

افزون بر این در سال ۲۰۱۲ مجلس قانونگذاری در بولیوی، اصلاحات بیشتری انجام داد و «قانون چارچوب مام زمین و توسعه یکپارچه برای زندگی مطلوب»^۴ را تصویب کرد.^۵ قانون چارچوب مام زمین، مفهوم «توسعه یکپارچه» را در تلاشی برای احیای رابطه میان احترام و مراقبت از مام زمین با توسعه انسان‌محور معرفی می‌کند (Law 071-Law of the Rights of Mother Earth 2010, Chapter II, Article 1). این قانون در مقایسه با قانون مصوب ۲۰۱۰، تعریفی موسع‌تر از مام زمین ارائه می‌دهد (Law 071-Law of the Rights of Mother Earth 2010, Chapter II, Article 5) و اصول گسترده‌تری را در برمی‌گیرد (Law 071-Law of the Rights of Mother Earth 2010, Chapter II, Article 4).

از حیث گستره حقوق شناسایی شده در بولیوی، طبق قانون حقوق مام زمین مصوب ۲۰۱۰ ذیل فصل ۳ به موجب ماده ۷، حق‌هایی قانونی برای مام زمین به رسمیت شناخته که عبارت‌اند از حق حیات، حق تنوع حیات، حق بر آب، حق بر هوای پاک، حق بر تعادل، حق بر احیا، حق بر زیستی رها از آلودگی

1. Mary Elizabeth Whittemore.

۲. برای اطلاعات بیشتر در خصوص روند تدوین پیش‌نویس و تصویب این قانون رک: Kauffman and Martin, 2021: 101

۳. برای دسترسی به متن انگلیسی این قانون رک:

<http://www.worldfuturefund.org/Projects/Indicators/motherearthbolivia.html>
Accessed 10 November 2021.

4. Framework Law of Mother Earth and Integral Development for Living Well (Law 300 of the Plurinational State of Bolivia) October 2012.

۵. برای دسترسی به متن انگلیسی این قانون به لینک زیر مراجعه کنید:

<https://www.documentcloud.org/documents/7220617-Framework-Law-of-Mother-Earth-and-Integral.html> Accessed 16 November 2021.

(Law 071-Law of the Rights of Mother Earth 2010, Chapter III, Article 7). نکته حائز اهمیت در خصوص این ماده این است که در این مقرر صرفاً حقوق مذکور برشمرده نمی‌شوند، بلکه دامنه شمول هریک از آنها نیز بیان شده است. از دیدگاه نگارندگان، چنین امری ابهامات مربوط به گستره حقوق را برطرف می‌کند که از یک سو، احترام، حمایت و اجرای هریک از این حق‌ها را به فراخور مورد تسهیل می‌کند و از سوی دیگر در روند بررسی دعاوی مرتبط با حقوق طبیعت، و به‌ویژه برای شناسایی اینکه کدام‌یک از حقوق طبیعت نقض شده‌اند، از اهمیت بسزایی برخوردار خواهد بود.

در خصوص ایالات متحده، تلاش‌ها برای شناسایی حقوق طبیعت در این کشور از سال ۲۰۰۶ آغاز شد. در حال حاضر، در این کشور، بیش از ۳۰ مورد وجود دارد که مقرراتی در سطح محلی، حق‌هایی برای طبیعت و اجزای آنها را شناسایی کرده‌اند. در واقع، حقوق طبیعت در ایالات متحده اغلب از طریق احکام و قطعنامه‌هایی در سطح محلی (در شهرستان‌ها و شهرها) شکل گرفته است. در ایالات متحده این قانونگذاری محلی از جنبش‌های مردمی سطوح محلی و قبیله‌ای برای حفاظت از زمین، آب، و هوای خود و حقوق ساکنانش برای زندگی سالم اتخاذ شده‌اند (Zelle et al., 2021: 380-381). در آمریکا، اولین گام در شناسایی حقوق طبیعت در سطح محلی در سال ۲۰۰۶ توسط جامعه روستایی تاماکوا در شهرستان سکویلیکیل^۱ در ایالت پنسیلوانیا برداشته شد. ارائه طرحی پیشنهادی برای تخلیه تهنشست فاضلاب به گودال‌های قدیمی معدن، نگرانی‌هایی را از ورود مواد سمی موجود در لجن فاضلاب به آب آشامیدنی و آلودگی آب ایجاد کرد که نقطه آغاز جنبش مردمی در این زمینه شد که یک آیین‌نامه محلی برای حفاظت از سلامت شهروندان و محیط زیست تاماکوا بورو، با به رسمیت شناختن و اجرای حقوق ساکنان برای دفاع از جوامع طبیعی و اکوسیستم‌ها تنظیم شد (Boyd, 2017: 144-145).

این آیین‌نامه محلی پیشگام^۲، جوامع طبیعی و اکوسیستم‌ها^۳ را به‌عنوان «اشخاص» به رسمیت می‌شناسد و برای آنها حقوقی مدنی در نظر می‌گیرد (Tamaqua Borough, Schuylkill County, Pennsylvania Ordinance No. 612 of 2006, Section 7.6). آیین‌نامه محلی تهنشست فاضلاب تاماکوا بورو از این حیث بدیع بود که اجتماعات طبیعی و اکوسیستم‌ها را به‌عنوان «اشخاص» حقوقی تلقی

1. Schuylkill

۲. برای دسترسی به متن این آیین‌نامه محلی به لینک زیر مراجعه کنید:

<http://files.harmonywithnatureun.org/uploads/upload666.pdf>
[Accessed 21 December 2021].

۳. شایان ذکر است که جوامع طبیعی و اکوسیستم‌ها در این آیین‌نامه به شرح زیر تعریف می‌شوند: سفره‌های آب زیرزمینی،

سیستم‌های جوی، آب‌های دریایی و گونه‌های بومی در محدوده این شهر. برگرفته از متن آیین‌نامه به شرح زیر:

Ordinance No. 2421, (City Council Series), An Ordinance of the City Council of Santa Monica Establishing Sustainability Rights, 2013, Chapter 4.75, 4.75.040(b)

کرد. به رسمیت شناختن حقوق اکوسیستم بخش مهمی از این آیین نامه برای حامیان آن بود. هرچند مخالفان در خصوص اعطای حقوق به چیزی که «زنده و شخص نیست» مخالفت کردند، طرفداران تأیید می کنند که همان طور که کودکان از حقوق قانونی کامل برخوردار نیستند، اما مستحق حمایت هستند، طبیعت نیز باید تحت حمایت قرار گیرد (CELDF, Tamaqua Borough, Pennsylvania, AUG 31, 2015).^۱

همچنین شورای شهر سانتا مونیکا در ایالت کالیفرنیا با تصویب آیین نامه ای محلی با عنوان «حقوق پایداری در سال ۲۰۱۳»، حقوق طبیعت را به رسمیت شناخت.^۲ در مقدمه این آیین نامه، نه تنها به رویه داخلی شناسایی حقوق طبیعت در سایر شهرها اشاره شده، بلکه به اصلاح قانون اساسی اکوادور نیز توجه شده است (Ordinance No. 2421: 3-4). در نهایت در متن این آیین نامه، حقوق جوامع طبیعی و اکوسیستم های واقع در سانتا مونیکا برای وجود، رشد و تکامل و حقوق اشخاص انسانی که شهر سانتا مونیکا را تشکیل می دهند برای داشتن محیطی پاک، سالم و پایدار به رسمیت شناخته شده است (Ordinance No. 2421, 2013, Chapter 4.75, 4.75.020(c)).

افزون بر این منشور حقوق دریاچه ایری^۳ مورد دیگری است که به موجب آن، مردم شهر تولدو، حقوق انکارناپذیر را برای دریاچه ایری و حوضه آبریز دریاچه ایری برای وجود، شکوفایی و تکامل طبیعی به رسمیت می شناسد (Lake Erie Bill of Rights, Section 1(a)). شایان ذکر است که قبایل بومی آمریکا در ایالات متحده نیز برای تأمین حقوق موجودات طبیعی اقدام کرده اند. گروه اوجیبوه زمین سفید^۴ در مینه سوتا، با توجه به ضرورت تأمین مبنای قانونی برای حفاظت از برنج وحشی تحت عنوان «مانومین» در سال ۲۰۱۸ قانونی را تصویب کرد که به طور رسمی حقوق ذاتی این نوع برنج را به رسمیت شناخت.^۵ در بخش یک این مقرر برای منومین، برنج وحشی در منطقه حفاظت شده زمین سفید، حقوقی برای این گونه گیاهی به رسمیت شناخته شده است، از جمله حق وجود، شکوفا شدن، بازسازی و تکامل، حق برخورداری از سیستم آب و هوایی سالم و محیط طبیعی عاری از تأثیرات و انتشار گازهای گلخانه ای ناشی از گرمایش جهانی توسط انسان (Resolution Establishing Rights of Manoomin, Section 1(a)). چنین مقرره ای گام بسیار مهم و رو به جلو در جنبش حقوق طبیعت است، چراکه این اولین قانونی است که حقوق قانونی گونه های گیاهی را به رسمیت می شناسد.^۶

1. Tamaqua Borough, Pennsylvania - CELDF [Accessed 27 December 2022].

2. Ordinance No. 2421, (City Council Series), An Ordinance of the City Council of Santa Monica Establishing Sustainability Rights, 2013.

۳. برای دسترسی به متن این آیین نامه محلی ر.ک:

<http://files.harmonywithnatureun.org/uploads/upload683.pdf> [Accessed 19 January 2022].

4. Lake Erie Bill of Rights.

5. White Earth Ojibwe.

6. Resolution Establishing Rights of Manoomin, 2018.

7. <http://files.harmonywithnatureun.org/uploads/upload764.pdf> [Accessed 14 February 2022].

به‌طور کلی، در ایالات متحده آمریکا، اسناد قانونی مرتبط، مؤلفه‌های طبیعی ذی‌ربط را به‌عنوان دارندگان حقوق به‌صورت حصری بیان نمی‌کنند، بلکه این موارد را به‌عنوان نمونه‌هایی از جوامع طبیعی و اکوسیستم‌های طبیعی برمی‌شمردند. از منظر حقوق ماهوی، عمدتاً حق‌ها بر مبنای رویکردی اکوسیستم‌محور شناسایی شده‌اند و در اغلب موارد دو حق بر وجود داشتن و حق بر شکوفایی را در برمی‌گیرند. هرچند این دو حق ماهوی در تمامی اسناد ذی‌ربط تعریف نشده‌اند، اما می‌توان تعریف آنها را برای مثال در آیین‌نامه‌ای محلی در شهرستان پکر، شهرستان کربن، پنسیلوانیا که در سال ۲۰۱۰ صادر شد^۱، مشاهده کرد.^۲ از دیدگاه نگارندگان، هرگونه تلاش برای حمایت و اجرای مؤثر هریک از حقوق، مستلزم تعریف هریک از حق‌هاست، چراکه عدم ارائه تعاریف یا ابهام در تعاریف، چالش‌هایی در روند تحقق آنها ایجاد خواهد کرد. با وجود این، به اعتقاد نگارندگان بی‌شک یکپارچگی و پیچیدگی مؤلفه‌ها و سیستم‌های طبیعی، محدودیت‌هایی برای شناخت آنها ایجاد می‌کند که در نتیجه ارائه تعریفی جامع و مانع برای هریک از حق‌ها را بر مبنای آنچه طبیعت یا اجزای آن را منتفع می‌سازد، با چالش مواجه می‌کند. از این‌رو در نظر گرفتن دو ویژگی کل‌گرایانه بودن (مانند رویکردهای اکوسیستم‌محور) و حصری نبودن حق‌ها می‌تواند تا حدودی از این دشواری بکاهد. به این ترتیب، توجه به موارد مذکور نشان می‌دهد که هرچند در اکوادور و بولیوی، طبیعت به‌طور کلی به‌عنوان یک شخص قانونی دارای حقوق در نظر گرفته می‌شود که نوع و دامنه حق‌های شناسایی شده برای طبیعت به‌عنوان یک واحد کلی به‌طور عام‌تری برشمرده شده‌اند، از جمله حق زیستن، حق حفظ و بازآفرینی چرخه‌های حیات و فرایندهای تکاملی. درحالی‌که در بسیاری از قواعد در خصوص حقوق طبیعت در ایالات متحده آمریکا، گستره شناسایی دارنده حق‌ها به برخی از اجزای طبیعت مانند تالاب‌ها، نهرها، رودخانه‌ها، سفره‌های زیرزمینی محدود است که نشان می‌دهد طبیعت در سطح اکوسیستم مفهوم‌سازی شده و حقوقی برای اکوسیستم‌های خاصی به رسمیت شناخته می‌شود، درحالی‌که از حیث نوع و گستره حق‌ها یک گام فراتر می‌روند و حق اکوسیستم‌ها برای «شکوفایی» را نیز به رسمیت می‌شناسند.

از سوی دیگر، از لحاظ نظری، گستره اعطای اختیار نمایندگی از جانب طبیعت نیز در این الگو متفاوت است. به‌عبارت دیگر، گاهی تعداد زیادی از اشخاص از این اختیار قانونی برخوردارند که از جانب طبیعت عمل کنند. در این زمینه، برای مثال قانون اساسی اکوادور بیان می‌کند که «همه افراد، جوامع، مردم و ملت‌ها می‌توانند از مقامات دولتی، اجرای حقوق طبیعت را مطالبه کنند» (Constitution of the Republic of Ecuador (2008), Title II, Chapter 7, Article 71). از این‌رو اکوادور به‌طور

1. Packer Township Local Control, Sewage Sludge and Chemical Trespass Ordinance, 2010.

۲. برای دسترسی به متن این آیین‌نامه محلی ر.ک:

<http://files.harmonywithnatureun.org/uploads/upload672.pdf> [Accessed 29 February 2022].

گسترده نمایندگی قانونی اعطا می‌کند که طبق آن هر کس، اعم از شهروند اکوادور یا شهروند سایر دولت‌ها، می‌تواند برای دفاع از حقوق طبیعت اقدام کند (Constitution of the Republic of Ecuador (2008), Title II, Chapter 7, Article 74). در واقع برای اجرای حقوق طبیعت، هر شخص حقیقی یا حقوقی و هر اجتماعی^۱ می‌تواند از دولت اکوادور بخواهد که به چنین حقوقی احترام بگذارد و آنها را محقق کند. هرچند در نگاه نخست، در این وضعیت، موانع دفاع از حقوق طبیعت کمتر می‌شود. با وجود این چنین رویکردی، از حیث مسائل شکلی مورد انتقاد قرار گرفته، از جمله اینکه معیارهایی برای اینکه چه شخصی می‌تواند از جانب طبیعت شکایت کند، وجود ندارد و مشخص نیست که چه کسی هزینه دادرسی را پرداخت خواهد کرد. همچنین قانون اساسی اکوادور به این امر پاسخ نمی‌دهد که در صورت صدور حکم جبران خسارت توسط دادگاه، حکم مالی چگونه اجرا می‌شود و به چه کسی قابل پرداخت است؟ (Whittemore, 2011: 667-669)

در خصوص کشور بولیوی، ماده ۹ قانون حقوق مام زمین مصوب سال ۲۰۱۰، بر اساس ماده ۱۰ مقرر شده است که «به منظور اطمینان از اعتبار، ترویج، اشاعه و رعایت حقوق مام زمین که در این قانون تعیین شده است»، دفتر مام زمین تأسیس شود (Law 071-Law of the Rights of Mother Earth 2010, Chapter IV, Article 10) و این تنها سازوکار اجرایی مرتبط با حقوق مام زمین است که تشکیل آن در این قانون تصریح شده است. از سوی دیگر، ماده ۳۹ «قانون چارچوب مام زمین و توسعه یکپارچه برای زندگی مطلوب» بیان می‌کند که حکومت‌های دولتی (بر اساس اصلاحات خود) - دادستان عمومی^۲، مدافع حقوق مام زمین^۳، مرجع حل اختلاف زراعتی-محیط زیست^۴، اشخاص به صورت فردی یا جمعی که به طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌گیرند، یا هر شخص به صورت فردی یا جمعی که از نقض حقوق مام زمین در چارچوب توسعه یکپارچه برای زیستن مطلوب اطلاع دارد - وظیفه دارند برای حمایت از آنها، وقایع قضیه را به مقامات صالح^۵ گزارش دهند (Integral Development for Living Well (Law 300 of the Plurinational State of Bolivia) October 2012, Article 39).

از سوی دیگر در ایالات متحده، دامنه محدودی از اشخاص قادرند برای دفاع از حقوق طبیعت، اقداماتی قانونی اتخاذ کنند، چراکه هریک از مقرره‌های محلی ذی‌ربط، نمایندگی قانونی را به شهروندان

1. Communities
2. Public Ministry
3. Defender of Mother Earth
4. Agro-Environmental Court

۵. شایان ذکر است طبق این ماده و سایر مفاد مرتبط در این قانون، دقیقاً مشخص نیست که مقامات صالح، چه شخص یا اشخاصی (اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی) هستند.

شهر یا شهرستانی محدود می‌کند که موجودیت طبیعی که به‌عنوان دارنده حق شناسایی شده است، در قلمرو آن شهر قرار دارد. برای مثال در بخش سوم منشور حقوق دریاچه ایری^۱، اکوسیستم دریاچه ایری می‌تواند حقوق خود و ممنوعیت‌های این قانون را از طریق اقدامی که توسط شهر تولدو یا یکی از ساکنان یا ساکنان شهر در دادگاه عمومی منطقه لوکاس تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد، اعمال کند. (Lake Erie Bill of Rights, Section 3(d)).

از این رو احکام ایالات متحده تا حدودی محدودتر است و نمایندگی قانونی را به شهروندان شهر یا شهرستان محدود می‌کند. در مقابل، قوانین بولیوی و اکوادور به بسیاری از مردم اجازه می‌دهد تا با استناد به حقوق طبیعت از طبیعت محافظت کنند، با وجود این نکته در خور توجه این است که اغلب در قوانین و مقرره‌های این کشورها، هیچ‌کس ملزم به انجام این کار نیست، بلکه حمایت از حقوق طبیعت به‌عنوان حقی برای گروه گسترده‌ای از اشخاص یا گروه خاصی از اشخاص شناخته شده است که این امر می‌تواند به‌طور بالقوه، قوانین مرتبط با حقوق طبیعت را تضعیف کند (Kauffman & Martin, 2018: 51).

۲.۳. الگوی مبتنی بر شناسایی شخصیت حقوقی

الگوی دوم، روشی مبتنی بر شناسایی شخصیت حقوقی برای طبیعت است. در این الگو، اغلب اکوسیستم‌های خاصی به‌عنوان اشخاص حقوقی شناخته می‌شوند. از این رو از منظر ماهوی، در تمامی موارد، به‌طور صریح حق‌هایی برای طبیعت به رسمیت نمی‌شناسند، بلکه قوانین مرزهای این اکوسیستم‌ها را مشخص کرده و شخصیت حقوقی را محدود به آنها می‌کند. از حیث شکلی، در اغلب موارد، اشخاصی خاص به نمایندگی از جانب اکوسیستم ذی‌ربط منصوب می‌شوند تا از طرف آن اکوسیستم اظهار نظر کنند. از آنجایی که طبق این الگو، نمایندگان اکوسیستم تکلیف حفاظت از اکوسیستم‌های ذی‌ربط را بر عهده دارند، این امکان فراهم می‌شود تا اکوسیستم‌ها بر مبنای رویکردی کنشی و پیشگیرانه و به‌طور فعال محافظت شوند (Kauffman & Martin, 2021: 18–19).

در این زمینه، نیوزیلند سومین کشور جهان (پس از اکوادور و بولیوی) است که با تصویب قوانینی ملی هنجارهای حقوق طبیعت را نهادینه کرد. در این زمینه، برای اکوسیستم‌های مشخصی «شخصیت حقوقی» به رسمیت شناخته شده است، یکی برای رودخانه وانگانو طبق قانون Te Awa Tupua^۲ و دیگری برای جنگل ته یورورا طبق قانون Te Urewera^۳. نکته در خور توجه اینکه وضع دو قانون مذکور

1. Lake Erie Bill of Rights

<http://files.harmonywithnatureun.org/uploads/upload711.pdf>

[Accessed 10 March 2022].

۲. برای دسترسی به متن این قانون ر.ک:

۳. برای دسترسی به متن این قانون ر.ک:

برای شناسایی شخصیت حقوقی حوزه آبخیز رودخانه وانگانوی^۱ و جنگل ته یورورا^۲، ناشی از حل و فصل اختلافات معاهده با مردمان بومی است^۳ که به عنوان ابزاری راهبردی برای غلبه بر موانع منحصربه‌فرد برای حل و فصل اختلافات در نظر گرفته شد (Kauffman & Martin, 2018: 57).^۴

در قانون ته یورورا نیوزیلند، صرفاً اصول حقوق زمین نیست که در شناسایی شخصیت حقوقی جنگل منعکس می‌شود، بلکه درک مائوری از اکوسیستم جنگلی و رابطه انسان با آن به رسمیت شناخته می‌شود (Te Urewera Act, 2014, Part 1(3)(6)). طبق این قانون، ته یورورا یک شخص حقوقی و دارای تمامی حقوق، اختیارات، وظایف و تعهدات یک شخص حقوقی است. حقوق، اختیارات و وظایف ته یورورا باید از طرف و به نام ته یورورا توسط هیأت مدیره ته یورورا اعمال و انجام شود (Te Urewera Act, 2014, Subpart 3(11)). از این رو نگرهبانان خاص نه تنها برای صحبت از طرف اکوسیستم منصوب می‌شوند، بلکه موظفاند در هر دو عرصه حقوقی و سیاسی این کار را انجام دهند (Kauffman & Martin, 2021: 150). از سوی دیگر، طبق قانون ته آوا توپوا^۵، «ته آوا توپوا» به عنوان یک رودخانه، یک شخص حقوقی و دارای تمامی حقوق، اختیارات، وظایف و تعهدات یک شخص حقوقی است (Te Awa Tupua Act, 2017, Part. 2, Section 14). نکته شایان توجه در این قانون، ارائه تعریفی کل‌گرایانه و یکپارچه‌نگر از اکوسیستم ته آوا توپوا است که با اصول فلسفه حقوق زمین سازگار است. این قانون، ته آوا توپوا را یک واحد کلی غیرقابل تقسیم و زنده می‌داند که از رودخانه وانگانوی از کوه تا دریا تشکیل شده و تمام عناصر فیزیکی و متافیزیکی آن را در خود جای داده است (Te Awa Tupua Act, 2017, Subpart 2(12)). در واقع، در هر دو مورد مذکور در نیوزیلند، حدود و ثغور این اکوسیستم‌ها به صراحت مشخص و شناسایی شخصیت حقوقی نیز به همان چارچوب محدود شده است.

از سوی دیگر، در کلمبیا، بر اساس آرای قضایی، برخی اکوسیستم‌های مشخص به عنوان شخصی قانونی شناخته شده‌اند که از حقوقی مانند حق بر حفاظت، حق بر نگهداری و حق بر احیا برخوردارند. برای مثال دادگاه قانون اساسی کلمبیا در سال ۲۰۱۶ رودخانه آتراتو را به عنوان یک شخص حقوقی

<https://www.legislation.govt.nz/act/public/2014/0051/latest/whole.html> [Accessed 10 March 2022].

1. Whanganui

2. Te Urewera

۳. برای اطلاعات بیشتر درباره تاریخچه این اختلافات و روند حل و فصل اختلاف میان این قبایل با دولت سلطنتی ر.ک:

(Kauffman and Martin, 2018)

Christopher Finlayson, 2019: 259-278, in La Follette and Maser, 2019: 259-275.

۴. در این صورت، حکومت سلطنتی می‌توانست ادعا کند که مالکیت این مناطق را به مائوری‌ها منتقل نمی‌کند، و مائوری‌ها

می‌توانستند مدعی شوند که حکومت نیز نسبت به آن مالکیت ندارد. برگرفته از Kauffman & Martin, 2018

5. Te Awa Tupua (Whanganui River Claims Settlement) Act, 2017

دارای حقوق به رسمیت شناخت، درحالی که دیوان عالی دادگستری کلمبیا همین کار را برای جنگل بارانی آمازون در سال ۲۰۱۸ انجام داده است.^۱

در رأی دادگاه قانون اساسی در قضیه رودخانه آتراتو^۲ اولین بار بود که یک اکوسیستم مشخص به‌عنوان دارنده حقوق در کلمبیا به رسمیت شناخته شد (Richardson & Bustos, 2023: 237). تصمیم دادگاه در این قضیه بازتابی از نظام اعتقادی جوامع قومی، از جمله مفهوم وابستگی متقابل بین انسان و طبیعت است (Macpherson et al., 2021: 14). این رأی، به دو دلیل شایان توجه است؛ اولاً، درحالی که شاکیان ادعاهای خود را به‌عنوان حقوق افراد ساکن در حوضه رودخانه آتراتو مطرح کردند، دادگاه توجه خود را به حقوق انسان محور محدود نکرد. در این خصوص، دادگاه متقاعد شد که دولت تمام حقوق اساسی مورد ادعای مدعیان را نقض کرده است، اما در قضاوت خود پا را فراتر گذاشت و با گسستن از جهت‌گیری ایدئولوژیک انسان محور حق‌ها، دستور داد که رودخانه آتراتو دارنده حق‌هایی باشد (Villavicencio Calzadilla, 2019: 7). این حقوق شامل حق‌های محافظت، حفظ، نگهداری و بازیابی می‌شود (The Atrato River Case, 2016:110, Para. 10.2). ثانیاً از نقاط قوت پرونده آتراتو ایجاد مفهوم جدیدی از «حقوق زیست فرهنگی» که آن را با تکیه بر ارتباط نزدیک میان مردمان بومی^۳ با اکوسیستم‌های رودخانه‌ای ارائه کرد (Macpherson, Torres Ventura and Clavijo Ospina, 2020: 538-539). دادگاه اظهار کرد که «در سطح بین‌المللی رویکرد حقوقی جدیدی به نام حقوق زیست فرهنگی در حال توسعه است که فرض اصلی آن رابطه وحدت عمیق و وابستگی متقابل بین طبیعت و گونه‌های انسانی است و در نتیجه یک درک اجتماعی-حقوقی جدید را به‌همراه دارد که در آن طبیعت باید به‌طور جدی و با حق‌هایی کامل مورد توجه قرار گیرد. بدین معنا که به‌عنوان یک شخص دارای حقوق تلقی شود (The Atrato River Case, 2016, para 9.28: 98 and para 5.11: 35). از سوی دیگر، حقوق زیست فرهنگی با رعایت حقوق جمعی و سرزمینی بومی، راه را برای مشارکت بومیان در چارچوب‌های قانون محیط‌زیست باز می‌کند و از این منظر حائز اهمیت است که رودخانه آتراتو، از منطقه‌ای می‌گذرد که جمعیت بومی و آفریقایی-کلمبیایی در اطراف آن ساکن هستند (Hamilton, 2023: 5).

۱. در این زمینه شایان ذکر است که هر دو رأی از چالش‌های قانون اساسی سرچشمه می‌گیرند که در آن شاکیان به‌دنبال توقف نقض حقوق بشر مرتبط با آسیب‌های محیط‌زیستی از طریق سازوکار Tutela بودند. Tutela ابزار قانونی منحصر به فردی در کلمبیا است که به افراد اجازه می‌دهد از حقوق اساسی خود حمایت کنند.

۲. برای دسترسی به متن این رأی به زبان انگلیسی ر.ک:

<http://files.harmonywithnatureun.org/uploads/upload838.pdf> [Accessed 17 May 2022].

۳. برای اطلاعات بیشتر در خصوص جایگاه مردمان بومی در قوانین کلمبیا و وضعیت آنان ر.ک: Macpherson, Torres

Ventura and Clavijo Ospina, 2020

دادگاه قانون اساسی در بخش اجرایی حکم خود یک طرح حکومتی مشارکتی مبتکرانه طراحی کرد (Macpherson, Torres Ventura and Clavijo Ospina, 2020: 522) که بر اساس آن دولت ملی، همراه با جوامع قومی ساکن در حوضه رودخانه آتراتو، قیم رودخانه خواهند شد و به طور مشترک از حقوق رودخانه حمایت کرده و به طور قانونی آن را نمایندگی خواهند کرد. همچنین دادگاه دستور داد که نمایندگان رودخانه کمیسیون قیم‌های رودخانه آتراتو را تشکیل دهند (The Atrato River Case, 2016, Para 10.2: 110). با وجود این، انتقادی که در این خصوص مطرح شده این است که به طور کلی، یک یا دو قیم ممکن است از عهده انجام وظیفه حفاظت از منافع یک رودخانه و اقدام از جانب آن بر نیابند (Krämer, 2020: 68-69).

از سوی دیگر، در خصوص پرونده مربوط به جنگل آمازون واقع در کلمبیا^۱ پس از رد دعوا در دو مرحله بدوی و تجدیدنظر^۲، سرانجام در ۵ آوریل ۲۰۱۹، دیوان عالی کشور رأی دادگاه بدوی را لغو و به نفع شاکیان رأی صادر کرد و در عین حال آمازون واقع در کلمبیا، را به عنوان «شخص حقوقی» به رسمیت شناخت. در این پرونده، شاکیان ادعا کردند که جنگل‌زدایی در آمازون تأثیرات تغییرات آب‌وهوایی را تشدید می‌کند و از این رو، حق آنها برای برخورداری از محیط زیست سالم و حقوق اساسی آنها در مورد حق حیات، حق بر سلامت، حق بر غذا و آب و همچنین حقوق بین‌نسلی نسل‌های آینده را تهدید می‌کند (Richardson & Bustos, 2023: 240).

نکته قابل توجه در این پرونده این است که شاکیان، به نمایندگی از نسل‌های آینده که باید با بخش زیادی از پیامدهای تغییرات آب‌وهوایی مواجه شوند، اقدام کردند (Villavicencio Calzadilla, 2019: 5). در این زمینه، طبق نظر دیوان عالی، خواهان‌ها در این پرونده خود را به عنوان «...گروهی متشکل از ۲۵ کودک، نوجوان و جوان... بین سنین ۷ تا ۲۵ سال، که در شهرهایی زندگی می‌کنند که در زمره آن دسته از شهرهایی هستند که در معرض بیشترین خطرهای تغییرات آب‌وهوایی قرار دارند...» که در آنجا امید به زندگی به طور متوسط ۷۸ سال (۷۵ سال برای مردان و ۸۰ سال برای زنان) است، به همین دلیل است که آنها انتظار دارند زندگی خود را در دوران بزرگسالی بین سال‌های ۲۰۴۱ تا ۲۰۷۰ و دوران سالمندی خود را از سال ۲۰۷۱ به بعد بهبود بخشند. در این دوره‌های زمانی، با توجه به سناریوهای تغییرات آب‌وهوایی ارائه شده توسط مؤسسه آب‌شناسی، هواشناسی و مطالعات محیط زیستی^۳، انتظار می‌رود میانگین دمای کلمبیا به ترتیب ۱/۶ درجه و ۲/۱۴ درجه سانتی‌گراد افزایش یابد» (Zelle et al.,

1. Demanda Generaciones Futuras v. Minambiente, 2018. (Future Generations v. Ministry of the Environment and Others).

۲. برای اطلاعات مربوط به دلایل رد دعوا ر.ک: (Zelle et al., 2021: 773)

3. INSTITUTO DE HIDROLOGÍA, METEOROLOGÍA Y ESTUDIOS AMBIENTALES (IDEAM), <http://www.ideam.gov.co/> (Institute of Hydrology, Meteorology and Environmental Studies).

(774: 2021). به این ترتیب، رأی دادگاه در پروندهٔ آمازون کلمبیایی، پیشرفت مهمی برای اقامهٔ دعاوی مرتبط با تغییرات آب‌وهوایی در سراسر جهان محسوب می‌شود (Abate, 2020: 48). حکم آمازون نمونه‌ای از چگونگی کاربرد انصاف بین‌نسلی است و از این منظر شایان توجه است که آسیب‌های محیط زیستی تغییرات آب‌وهوایی طولانی‌مدت هستند و نسل‌های آینده بیشتر در معرض آسیب‌های جبران‌ناپذیر قرار دارند.

افزون بر این دیوان عالی در این پرونده تحلیل خود را با تکیه بر تفسیری زیست‌بوم‌محور از اصل همبستگی^۱ ارائه کرد. دادگاه ابراز کرد که برای فراهم ساختن امکانات حمایت‌های بنیادین مندرج در قانون اساسی کلمبیا، لازم است «دیگران» را در این فرایند همبستگی مورد توجه قرار دهیم. دادگاه عبارت «دیگران» را این‌گونه به کار می‌برد: «دیگرانی که در سیارهٔ زمین ساکن هستند، اعم از حیوانات یا گیاهان» و «آنهایی که هنوز متولد نشده‌اند، که همهٔ آنها سزاوار برخورداری از شرایط محیط زیستی مشابهی‌اند که ما اکنون از آن بهره می‌بریم». این امر بدین معناست که آزادی اعمال نسل‌های کنونی می‌تواند با تعهد به «قاعدهٔ لاضرر» محدود شود و در عوض مراقبت و حفاظت از منابع طبیعی و دنیای آینده‌انسانی را بر عهده بگیرند (Macpherson, Torres Ventura and Clavijo Ospina, 2020: 535; Zelle et al., 2021: 777).

حکم آمازون از دو حیث حائز اهمیت است، یکی اینکه تصمیم مربوط به آمازون واقع در کلمبیا، آن را به اولین کشور در آمریکای جنوبی تبدیل کرده است که بخشی از آمازون را به‌عنوان «شخص حقوقی» به رسمیت می‌شناسد (Yessenia Funes, *The Colombian Amazon is Now a Person, and You Can Thank Actual People*, Earther (Apr. 9, 2018)). دوم اینکه استدلال قضایی به‌کاررفته در پرونده‌های آمازون واقع در کلمبیا و رودخانهٔ آتراتو توسط قضات دیگر برای رودخانه‌های دیگر، برخی پارک‌های ملی و سایر محیط‌های طبیعی مانند تالاب‌ها نیز تکرار شده و چنین مؤلفه‌های طبیعی به‌عنوان شخص قانونی به رسمیت شناخته شده‌اند. البته یکی از انتقادهای در زمینهٔ این پرونده، بی‌توجهی دادگاه به تأثیرات نامطلوب جنگل‌زدایی و تغییرات آب‌وهوایی بر جوامع بومی آمازون است که برای بقا و حفظ فرهنگ خود به دسترسی به آب و محیط طبیعی وابسته‌اند. به اعتقاد نگارندگان، از آنجا که مردمان بومی از یک سو، پیوندی ناگسستنی با اکوسیستم این منطقه دارند و از سوی دیگر در زمرهٔ آن دسته از گروه‌هایی هستند که آسیب‌پذیری بیشتری در مقابل تغییرات اقلیمی دارند، این پرونده،

۱. مادهٔ ۱ قانون اساسی کلمبیا یک دولت رفاه اجتماعی مبتنی بر حکومت قانون بر مبنای اصولی را تضمین می‌کند که «همبستگی» بین افراد را ترویج می‌دهد.

2. <https://earther.com/the-colombian-amazon-is-now-a-person-and-you-can-thank-1825059357>. [Accessed 1 December 2022].

می‌توانست فرصتی ایجاد کند که دادگاه به این موضوع مهم بپردازد، که چه خلأهای قانونی یا کاستی‌هایی در سازوکارهای اجرایی، زمینه نقض حقوق مردمان بومی این منطقه، به‌ویژه حقوق فرهنگی و حق بر سلامت آنها را تسهیل می‌کند و دوم اینکه، دادگاه می‌توانست برای حفاظت از این منطقه به‌عنوان یک شخص دارنده حقوق، ایجاد ساختارهای نهادی را با مشارکت مردمان بومی توصیه کند. چنین سازوکاری از این قابلیت برخوردار بود که به‌تدریج زمینه تحقق حقوق مردمان بومی و مقابله با جنگل‌زدایی و حفاظت از این منطقه را تقویت کند.

۴. نتیجه

به‌طور کلی، تلاش‌های صورت‌گرفته در سطوح ملی حاکی از آن است که نه‌تنها رویکرد زیست‌بوم‌محور در قرن بیست‌ویکم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده، بلکه شناسایی و پذیرش حقوق طبیعت در نظام‌های حقوق ملی، مقوله‌ای در حال تکوین است. در این زمینه، پیشرفت‌ها حاکی از آن است که اعطای شخصیت حقوقی به طبیعت و مؤلفه‌های موجود در آن، در کشورهایی مانند اکوادور، بولیوی، نیوزیلند، کلمبیا و ایالات متحده پیشرفت‌های چشمگیری داشته است. هرچند نحوه نهادینه کردن رویکرد زیست‌بوم‌محور جنبش حقوق طبیعت با باورهای هنجاری فلسفه حقوق زمین مطابقت دارد، اما آنها به پرسش‌های هنجاری کلیدی پاسخی متفاوتی می‌دهند. از سوی دیگر، در آن دسته از مواردی که حقوق طبیعت یا شخصیت حقوقی مؤلفه‌های طبیعی به موجب آرای دادگاه‌ها به رسمیت شناخته شده‌اند، نبود قوانین می‌تواند حمایت از این حق‌ها را در عمل چالش‌برانگیز کند. همچنین در آن دسته از مواردی که حق‌ها از طریق قوانین پذیرفته شده‌اند، ابهام در دامنه شمول هر یک از حق‌ها یا عدم ارائه تعریفی از آنها در مفاد قانونی ذی‌ربط، روند رسیدگی به دعاوی احتمالی مرتبط با نقض حقوق طبیعت را با مشکلاتی مواجه خواهد ساخت. افزون بر این در مواردی که حق‌ها برای مام زمین یا به تعبیری برای طبیعت به‌عنوان یک واحد کلی شناسایی شده‌اند، مفهوم دارنده حق، بسیار گسترده است که حمایت از حق‌ها را در عمل دشوار خواهد کرد.

این موضوع از این منظر در خور توجه است که بسیاری از مؤلفه‌های طبیعی، به‌ویژه اکوسیستم‌هایی مانند جنگل‌ها و رودخانه‌ها از مرزهای سیاسی یک کشور عبور می‌کنند و جنبه‌ای فراملی دارند، از این‌رو صرفاً تحت صلاحیت انحصاری یک دولت نیستند، بدین ترتیب هرچند پیشرفت‌های زیادی در خصوص پذیرش و شناسایی حقوق طبیعت در نظام‌های حقوق داخلی، می‌تواند پیشینه‌ای قانونی ایجاد کند که به نوبه خود راه را برای ورود این مفهوم به سطوح منطقه‌ای هموار کند و چارچوبی برای درک و حمایت از ابتکاراتی مشابه در سطح منطقه‌ای ایجاد کند. با وجود این، تفاوت‌های حقوقی در سطوح ملی می‌تواند

تلاش‌ها برای ایجاد رویکردی یکسان برای به رسمیت شناختن و حمایت از این حقوق را در سطح منطقه‌ای، جایی که همکاری‌های مؤثر نیازمند ایجاد سازوکارهای هماهنگ و ایجاد ظرفیت‌های اجرایی است، پیچیده‌تر کند.

منابع

– انگلیسی

A) Books

1. Abate, R. (2020). *Climate Change and the Voiceless: Protecting Future Generations, Wildlife, and Natural Resources*. Cambridge, Cambridge University Press.
2. Berry, T. (1999). *The Great Work: Our Way into the Future*. New York, Bell Tower.
3. Boyd, D. R. (2017). *The Rights of Nature: A Legal Revolution That Could Save the World*. Toronto, ECW Press.
4. Burdon, P. ed. (2012b). *Exploring Wild Law: The Philosophy of Earth Jurisprudence*. Kent Town, S. Aust., Wakefield Press.
5. Corrigan, D. P., & Markku Oksanen, eds. (2021) *Rights of Nature: A Re-Examination*. New York, Routledge.
6. Cullinan, C. (2011). *Wild Law: A Manifesto for Earth Justice*. New York, UIT Cambridge Ltd.
7. Graham, N. (2011). *Lawscape: Property, Environment, Law*. New York, Routledge.
8. Kauffman, C. M., & Pamela, Martin (2021). *The Politics of Rights of Nature: Strategies for Building a More Sustainable Future*. Cambridge, Massachusetts, The MIT Press.
9. La Follette, C., & Chris Maser, eds. (2019). *Sustainability and the Rights of Nature in Practice*. Boca Raton, CRC Press.
10. La Follette, C., & Chris Maser (2017). *Sustainability and the Rights of Nature: An Introduction*. Social-Environmental Sustainability Series. Boca Raton, CRC Press.
11. Zelle, A. R., Grant Wilson, Rachelle Adam, and Herman F. Greene, eds. (2021). *Earth Law: Emerging Ecocentric Law: A Practitioner's Guide*. Aspen Coursebook Series. New York, Wolters Kluwer.

B) Articles

12. Beitzl, C. M. (2016). The Changing Legal and Institutional Context for Recognizing Nature's Rights in Ecuador: Mangroves, Fisheries, Farmed Shrimp, and Coastal Management Since 1980. *Journal of International Wildlife Law & Policy*, 19(4), 317–332. <https://doi.org/10.1080/13880292.2016.1248688>.
13. Burdon, P. (2012a). Earth Jurisprudence and the Murray-Darling: The Future of a River. *Alternative Law Journal*, 37(2), 82–85.
14. Burdon, P. (2012c). A Theory of Earth Jurisprudence. *Australian Journal of Legal Philosophy*, (37), 28–60.
15. Hamilton, T. (January 18, 2023). Speculative Constitutions in Ursula K. Le Guin's Hainish Cycle and the Rights of Nature. *Law & Literature*, 1–23. <https://doi.org/10.1080/1535685X.2022.2157102>.
16. Jaiven, K. N. King (2014). A Proposed Reconciliation of Stakeholder Interests in the

- GE Soybean Industry and Role of Earth Jurisprudence Principles. *Florida A & M University Law Review*, 10(1), 139–174. Available at: <https://commons.law.famu.edu/famulawreview/vol10/iss1/5>
17. Kauffman, C. M., & Pamela L. Martin (2017). Can Rights of Nature Make Development More Sustainable? Why Some Ecuadorian Lawsuits Succeed and Others Fail. *World Development*, (92), 130–42. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2016.11.017>.
18. Kauffman, C. M., & Martin, P. L (2018). Constructing Rights of Nature Norms in the US, Ecuador, and New Zealand. *Global Environmental Politics*, 18(4), 43–62. https://doi.org/10.1162/glep_a_00481.
19. Krämer, L. (2020). Rights of Nature and Their Implementation. *Journal for European Environmental & Planning Law*, 17(1), 47–75. <https://doi.org/10.1163/18760104-01701005>.
20. Loder, R. E. (2018). Asteroid Mining: Ecological Jurisprudence Beyond Earth. *Virginia Environmental Law Journal*, 36(3), 275–317.
21. Macpherson, E., Axel Borchgrevink, Rahul Ranjan, and Catalina Vallejo Piedrahíta (2021). Where Ordinary Laws Fall Short: ‘Riverine Rights’ and Constitutionalism. *Griffith Law Review*, 30(3), 438–473. <https://doi.org/10.1080/10383441.2021.1982119>.
22. Macpherson, E., Julia Torres Ventura, and Felipe Clavijo Ospina (2020). Constitutional Law, Ecosystems, and Indigenous Peoples in Colombia: Biocultural Rights and Legal Subjects. *Transnational Environmental Law*, 9(3), 521–540. <https://doi.org/10.1017/S204710252000014X>.
23. Richardson, W., & Camila Bustos (2023). ‘Implementing Nature’s Rights in Colombia: The Atrato and Amazon Experiences. *Revista Derecho Del Estado*, (54), 227–75. <https://doi.org/10.18601/01229893.n54.08>.
24. Villavicencio Calzadilla, P. (2019). A Paradigm Shift in Courts’ View on Nature: The Atrato River and Amazon Basin Cases Colombia. *Law, Environment and Development Journal*, 15(1), 1–11. Available at <http://www.lead-journal.org/content/19001.pdf>
25. Whitemore, M. E. (2011). The Problem of Enforcing Nature’s Rights under Ecuador’s Constitution: Why the 2008 Environmental Amendments Have No Bite | IWRM Action Hub. <https://iwrmactionhub.org/resource/problem-enforcing-natures-rights-under-ecuadors-constitution-why-2008-environmental>.
26. Castro-Nunez, A., Mertz O., Buritica A., Sosa C. C., and Lee S. T. (2017). Land Related Grievances Shape Tropical Forest-Cover in Areas Affected by Armed Conflict. *Applied Geography*. 85, 39-50. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2015.11.001>
27. Yessenia Funes (Apr. 9, 2018). The Colombian Amazon is Now a Person, and You Can Thank Actual People, Earther. <https://earther.com/the-colombian-amazon-is-now-a-person-and-youcan-thank-1825059357>. [Accessed 1 December 2022]

C) Essays in Book

28. Berry, T. (2012). Rights of The Earth: We Need a New Legal Framework Which Recognises the Rights of All Living Beings. in: Burdon, Peter (ed.), *Exploring Wild Law: The Philosophy of Earth Jurisprudence*, Kent Town, S. Aust., Wakefield Press, pp. 227–229.
29. Finlayson, C. (2019). A River Is Born: New Zealand Confers Legal Personhood on the

Whanganui River to Protect It and Its Native People. in: La Follette, Cameron, and Chris Maser (eds.), *Sustainability and the Rights of Nature in Practice*, Boca Raton, CRC Press, 259–278.

D) Instruments

30. Constitution of the Republic of Ecuador (2008).
31. Framework Law of Mother Earth and Integral Development for Living Well (Law 300 of the Plurinational State of Bolivia), October 2012.
32. Law 071-Law of the Rights of Mother Earth (2010), Bolivia.
33. Ordinance No. 2421, (City Council Series), An Ordinance of the City Council of Santa Monica Establishing Sustainability Rights (2013).
34. Packer Township Local Control, Sewage Sludge and Chemical Trespass Ordinance (2010).
35. Resolution Establishing Rights of Manoomin (2018).
36. Tamaqua Borough, Schuylkill County, Pennsylvania Ordinance No. 612 (2006).
37. Te Awa Tupua (Whanganui River Claims Settlement) Act (2017).
38. Te Urewera Act (2014), Public Act 2014 No 51.

E) Cases

39. Center for Social Justice Studies et al. v. Presidency of the Republic et al. Judgment T-622/16 Constitutional Court of Colombia (2016) The Atrato River Case.
40. Demanda Generaciones Futuras v. Minambiente (2018). (Future Generations v. Ministry of the Environment and Others).